

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پایگاه اینترنتی  
صداقین  
معرفی آثار علم ربانی آقای حاج سید حسین یعقوبی قائمی مدظلہ العالی

مرحوم آیت الله کوهستانی قدس سره از اخیار علما بود که اکثر طلاب مازندرانی از وجود ایشان بهره ی معنوی می بردند و کرامت هایی نیز از ایشان نقل می کردند. بنده سابقه ی آشنایی و رفت و آمدی با آن مرحوم نداشتم. تا اینکه یک بار همراه بعضی از دوستان به خدمت ایشان رسیدم. در آنجا دکتری درباره ی حضور قلب در نماز از ایشان سؤال کرد و گفت: بنده با اینکه کتب بسیار زیادی در علم روان شناسی مطالعه کرده ام، ولی هنوز نفهمیده ام سرّ اینکه نمی توانم افکار خود را در نماز کنترل کرده و حضور قلب پیدا کنم چیست؟

ایشان در جواب او مطلبی گفت که حکایت از خبره بودن وی می کرد. فرمود: در باره ی روان تا کنون کتابی نوشته نشده است. این دانشمندان اصلاً خبری از روح و روان ندارند. آنچه که گفته شده همه در باره ی فعل و انفعالات و خصوصیات و عوارض متعلق به جسم است که نام آن را روح و روان می گذارند و در باره ی آن کتاب می نویسند. سپس برای حضور قلب در نماز دستور العملی به آن شخص داد که ابتدا به نظر حقیر صحیح نیامد. پس از اینکه او مجلس را ترک کرد به ایشان عرض کردم: آیا جواب این سؤال همین طور بود که فرمودید؟ آن مرحوم تبسمی کرد و گفت: آقا! این افراد اصلاً التزامی به حرام و حلال الهی و آداب و احکام شرعی ندارند، با این حال انتظار دارند با گفتن چند ذکر و ورد برای آنها حضور قلب حاصل شود. غرض من این بود که آنچه که فعلاً به درد او می خورد گفته باشم.

از این پاسخ نیز ایشان را فردی آگاه و با تجربه یافتم. آنگاه خواستم بفهمم در راه معرفت تا چه حد قدم برداشته است؛ لذا وقتی خصوصی شده و خلوت کردیم پرسیدم: شما تا کجا رفته اید؟ فرمود: آقا سید! نمی شود شناخت. من به جایی رسیده ام که فهمیده ام راهی برای وصول به معرفت نیست. بنده گفتم: بلی، نتیجه ی مجاهدت های کسی که در راه خدا به طور صحیح سلوک کند این است که خود را عاجز از معرفت حق می بیند، ولی این بدان معنا نیست که شناخت حق امکان ندارد، بلکه به معنای آن است که سیر فکری او تمام شده، و این تازه اولین منزل معرفت است. از آن پس باید او را سیر دهند تا به کمال برسد. یعنی تا به حال با فکر خودش حرکت می کرده، اکنون باید از آن طرف عنایت شود و او را ببرند؛ زیرا هیچ گاه با پایان سیر فکر و عقل، راه تمام نمی شود. اگر قدرت فکر و عقل نیست، براق عشق هست. امام سجاد - صلوات الله علیه - در مقام مناجات با خداوند عرض می کنند:

« الهی... عجزت العقول عن ادراک کنه جمالك... و لم تجعل للخلق طریقاً الی معرفتک الاّ بالعجز عن معرفتک. »

وقتی انسان درک کرد که نمی تواند و حول و قوه ای در خود نیافت، باید به درگاه الهی عاجزانه تضرع کند. آنگاه اگر لطف حق شامل حال او گشت، خداوند به تفضلش دست او را گرفته و به آستان معرفتش راه می دهد. پس راه معرفت مسدود نیست، بلکه همان عجز، خود آغاز راه است.

این مطالب را که خدمت ایشان عرض کردم، با تواضع خاصی فرمود: آقا سید! من دیگر بیش از این نفهمیده ام. خدا رحمتش کند، عالمی مہذب، وارسته و بسیار متواضع بود.